

# بار دیگر، روز حسابدار

مانند سال‌های گذشته، امسال نیز انجمن حسابداران خبره ایران به عنوان نخستین انجمن ایرانی عضو فدراسیون بین‌المللی حسابداران (آیفک) و بزرگ‌ترین انجمن حسابداری حرفه‌ای ایران، آیین گرامی داشت روز حسابدار را با حضور پرشمار اعضا، حسابداران، حساب‌رسان، استادان، دانش‌آموختگان، فعالان مالی و اقتصادی بازار سرمایه و دیگر میهمانان در عصر پاییزی هفدهم آذرماه در تهران برگزار کرد.



سخنران افتتاحیه، هوشنگ خستویی رئیس کنونی شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران بود که ضمن خیرمقدم به حاضران به ایراد سخنرانی پرداخت و ازجمله گفت: «به موسم روز حسابدار رسیده‌ایم. هر سال در این هنگام به چنین زمان و لحظه‌ای می‌رسیم. سپس به تماشای عوامل اثرگذاری می‌نشینیم که به قواری حسابدار می‌دوزند. مواظبت از رفتار و کرداری که باید شایسته باشد، چرا باید در جوار سایر عوامل ناخوشایند و ناهنجار شایسته باشند نمی‌دانم. معروف است که در فضای استخدامی مناطق نفت‌خیز سال‌های پیش هر کس که برای استخدام می‌رفت شرایط ناتوری داشت اما در این بین کسی برای مصاحبه آمد، وقتی از او پرسیدند ناتوری، گفت خیر. همه خوشحال شدند، گفتند چه کاره‌ای، گفت خراط هستم و چوب ناطوری خراطی می‌کنم. اینک وضع حسابداران هم همین‌طور است، فقط یک کار می‌دانیم آن‌هم حسابرسی است. بدون هرگونه شبهه‌ای باید این وابستگی به اصطلاح تک‌محصولی و قضاوت شفاهی نسبت به دیگران تغییر یابد. اجازه بدهید به مناسبت همین روز بگوییم: یا مدبر اللیل و النهار، یا محول الحول و الحوال، حول حالنا الی احسن الحال.»



### بزرگداشت چهره‌ی ماندگار حسابداری



گفتند کارآموز فقط ماهی پانصد تومان، نمی‌دانستند که مجانی هم حاضر بودم کار کنم، **سجادی‌نژاد** گفته بود بچه‌ها دنبال پول نروید، خوب درس و کار یاد بگیرید، پول خودش می‌آید. از سال ۱۳۵۶ که فوق‌لیسانس گرفتم و عضو انجمن شدم، انجمن

پس از این سخنان، مراسم سالانه‌ی بزرگداشت چهره‌ی ماندگار حسابداری به عمل آمد: این بار از **مجید میراسکندری** تقدیر شد؛ کسی که سال‌های سال همراه همیشگی انجمن بوده است. در بخشی از پیام انجمن که منصور شمس احمدی به نمایندگی از انجمن حسابداران خبره‌ی ایران خطاب به ایشان قرائت کرد می‌خوانیم: «جناب آقای مجید میراسکندری! بدین وسیله از یک عمر خدمات ارزشمند و مشارکت تأثیرگذار جنابعالی در راستای تحقق اهداف و اعتلای نام انجمن حسابداران خبره ایران در مقام دبیر کل، عضو شورای عالی، مدیر اجرایی مجله‌ی حسابدار و مدیر اجرایی مرکز آموزش انجمن تقدیر می‌شود. منش اخلاق‌مدار و کردار حرفه‌ای جنابعالی در سال‌های دراز خدمت‌گزاری به انجمن که همچنان در مقام عضو هیئت امنای مرکز آموزش حسابداران خبره مستدام است الگویی شایسته برای رهروان خدمت‌گزاری به این نهاد پاک حرفه‌ای حسابداری ایران است.» سپس مجید میراسکندری به توضیح خاطرات شخصی خود و تاریخچه‌ی مختصر انجمن حسابداران خبره ایران و تلاش‌های خود و دوستانش برای حفظ و بقای این نهاد حرفه‌ای حسابداری پرداخت. او گفت:

«سال ۱۳۵۰ کنکور دادم. مثل خیلی از دیپلمه‌های ریاضی می‌خواستم مهندس شوم، نشد. در کنکور آموزشگاه عالی حسابداری شرکت نفت پذیرفته شدم، می‌خواستم برای کنکور مهندسی سال بعد آماده شوم. از حسابداری اما خوشم آمد. نمی‌دانم به خاطر راحتی درس‌ها و پختگی استادان‌اش بود یا به دلیل درآمد مناسب هم‌زمان با تحصیل‌اش، یا به خاطر محیط شاد و شنگول دانشکده‌اش یا هر سه.

درس و مشق بد نبود، خصوصاً نمرات دروس حسابداری‌ام که عالی بود، اما یک نمره‌ی ۱۲ از استاد **سجادی‌نژاد** گرفتم که محشر بود. اتفاقاً مسئله را درست حل کرده بودم و انتظار ۲۰ داشتم. مشکل آن‌جا بود که راه‌حل ابتکاری‌ام نشان می‌داد که در کلاس‌ها شرکت نکرده بودم. آن موقع فهمیدم که همیشه محتوا بر شکل رجحان ندارد و در حسابداری هم مثل حقوق، عمدتاً شکل به اندازه‌ی محتوا می‌ارزد. کارآموزی آن روزها هم خیلی کیف می‌داد. سال اول در یک کارخانه‌ی ریسندگی و بافندگی کارآموز شدم با حقوق ماهی پانصد تومان که سیصد تومان‌اش را بابت قسط شهریه‌ی دانشکده به بانک صادرات محل می‌دادم، دوست تومان بقیه اما کارم را حل می‌کرد، از کرایه‌ی اتوبوس گرفته تا ساندویچ و بستنی و سینما و تئاتر و غیره. سال دوم حقوق‌ام به هشتصد تومان رسیده بود. همه می‌گفتند اگر قرار است کار حسابی یاد بگیری باید بروی حسابرسی. به هزار زحمت خودم را رساندم به مؤسسه‌ی حسابرسی دقیق، جایی که استاد **بهنام**



پاره‌ی تفکیک‌ناپذیر زندگی‌ام شد؛ اگر چه به خاطر انقلاب، انجمن هم مثل خیلی جاهای دیگر یخ زد ولی چه خوب که زود به زندگی برگشت به همت با معرفت‌هایی انگشت‌شمار.

همان موقع که **تقوی و غیایی** امتیاز چاپ کتاب‌های خود را به رایگان به انجمن می‌دادند، همان موقع که **اقبال و نجفیان** دبیرخانه را با دست خالی می‌چرخاندند، همان موقع که **خلعت‌بری** مجله را با بودجه‌ی صفر در می‌آورد، همان موقع که تعداد اعضای انجمن فقط ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر شده بود، همان موقع که **خستویی** کف انجمن را موکت می‌کرد، همان موقع که **سلامی** و دیگران مجانی مقاله می‌نوشتند.

اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ به پیشنهاد **محمود قدس**، **رجائی سلماسی**، **جواهری** و **مرحومان زینی** و **هشی** دبیرکل شدم. زمانی که مسئله در درجه‌ی اول روشن نگه‌داشتن چراغ انجمن و بعد فعال کردن کمیته‌ها و سعی در بقا بود در اوج جنگ تحمیلی. در عین حال تازه به دوران‌رسیده‌ها نوشته بودند: «اخیراً انجمنی به نام انجمن حسابداران خبره فهرست حسابداران مستقل منتشر کرده است و می‌خواهد استاندارد هم بنویسد.» آن‌هم در زمانی که نه حسابدار رسمی وجود داشت و نه هنوز کار دندان‌گیری کرده بودند. فکر می‌کردند اگر شمع انجمن خاموش شود، شمع آن‌ها پرنورتر می‌شود. اما چه باک، مدیر ارشدی داشتند که ریشه‌های خود را در انجمن می‌دید، مصداق آن که گاهی چاقو دسته خودش را هم می‌برد، غافل از آن که انجمنی‌ها پیدی نیستند که از آن باده‌ها بلرزند.

از بهترین خاطرات آن دوران تبدیل اتاق بزرگ دبیرخانه به کلاس بود، یکی کلاس آموزش کامپیوتر برای حساب‌رسان کله‌گنده، بدون امتحان و نمره و مدرک، که در غیر این صورت نمی‌آمدند، توسط **مرحوم علی**

**اسدی** و یکی هم کلاس حسابداری توسط استاد **سجادی‌نژاد** که آن زمان تا حدودی منزوی شده بودند. تشکیل همین دو کلاس کافی ست به سابقه‌ام افتخار کنم.

اواسط دهه‌ی ۱۳۶۰ دو سه سالی کار به گردن **غلامی** افتاد. سال ۱۳۶۸ دومرتبه به انجمن برگشتم، این بار با باز شدن بورس، دغدغه‌ی مالی نداشتم و می‌توانستم تمام‌وقت در انجمن کار کنم.

در بهشت هم کم‌کم باز شد، دوستان زحمتکش قدیمی فعال‌تر شدند، **دوانی** و **شمس‌احمدی** را می‌گویم که محکم‌تر آمدند. مسئولین و اعضای کمیته‌ها در سکوت به کار خود مشغول بودند، **گلستانی**، **سهیلی**، **داهی**، **سیادت‌خو**، **صادقی**، **نیک‌نژاد**، **گوهری**، **دهدشتی‌نژاد**، **فریرز امین**، **نیللی اصفهانی**، **اسرار حقیقی**، **پروژ**، **سعادت‌تی**، **کشانی**، **کوپایی**، **رضا مستأجران**، **منیری**، **فریده شیرازی**، **محمدی سالک**، **فراروی**، **طهوری**، **جهانگیر رضایی**، **امانی**، **حساس‌یگانه**، دکتر **عبده** و بعداً **فخاریان** را می‌توانستی مرتب ببینی.

آمدن **شلیله** اما موهبتی بود، با او بود که پیش‌شورا رفتیم و پنجاه هزار تومان بودجه گرفتیم برای ارتقای مجله و بعد سمینارها شروع شد و شد آن‌چه که شد.

**حسن خدایی** مرتب هم جوک می‌گفت و هم گزارش حسابرسی انجمن را تعریف می‌کرد! **بهروزخان وقتی** هم که یا نمی‌شنید یا گوش نمی‌داد!

این اواخر اما می‌توان به نام‌های درخشانی چون **جمشیدی‌فرد**، **مرادزاده**، **نوروزیگی**، **قاسمی** و **صداقت** اشاره و به ایشان افتخار کرد.





یک سال گذشته تقدیر به عمل آورد و هدایایی به رسم یادبود به ایشان اهدا کرد. برگزیدگان امسال، هر سه جوان هستند و پویا: سید محمد باقر آبادی، سمانه صادقی و فاطمه قشقایی.

در ادامه‌ی برگزاری این مراسم، آیین ادای سوگند گروهی دریافت کنندگان عنوان حسابدار مستقل طی یک سال گذشته برگزار شد. نظام‌الدین ملک‌آرایی به قرائت متن سوگند پرداخت و همه‌ی حضار ایستاده آیین ادای سوگند را به جا آوردند. متن سوگندنامه چنین است: «من به عنوان حسابدار عضو انجمن حسابداران خبره ایران در پیشگاه کتاب آسمانی به خداوند قادر و متعال که دانای آشکار و نهان است سوگند یاد می‌کنم که در انجام وظایف حرفه‌ای خویش اصول و ضوابط حرفه‌ای را رعایت کنم و خدماتی را تقبل کنم که نتوانم ایفای آن‌را داشته باشم. سوگند یاد می‌کنم که در رفتار و کردار خویش، درست کاری، بی‌طرفی، واقع‌بینی و استقلال حرفه‌ای خویش را حفظ کنم و به اخلاق و رازداری حرفه‌ای پایبند باشم. سوگند یاد می‌کنم که در راه اعتلای نام و منزلت اجتماعی حسابداران حرفه‌ای گام بردارم و در حفظ شئون حرفه‌ای کوشش کنم و از انجام کارهایی که می‌تواند حرفه‌ی حسابداری را بی‌اعتبار کند پرهیزم. سوگند یاد می‌کنم که صلاحیت حرفه‌ای خویش را با کسب دانش و مهارت‌های حرفه‌ای و با استفاده‌ی درست و به‌جا از آن بنیان نهم و ارتقا بخشم. سوگند یاد می‌کنم که مسئولیت حرفه‌ای خویش را بر منافع شخصی و منافع اشخاص ثالث ترجیح دهم. این سوگند را از روی ایمان و در نهایت آزادی و به اتکای شرف و وجدان خویش ادا کردم و در این راه از پروردگار متعال توفیق می‌خواهم.»

در مقابل همه‌ی آن‌ها که نام بردم، به خاطر خدمات فوق‌العاده‌ای که بدون ذره‌ای توقع مالی، در روزگار پول‌دوستی و پول‌پرستی، به انجمن ارایه داده‌اند سر تعظیم فرود می‌آورم. کارهای کوچکی که اگر برای انجمن کرده‌ام، به هیچ‌وجه قابل مقایسه با کارهای آن بزرگان نیست، چه کند بینوا همین دارد.»

با اتمام صحبت‌های مجید میراسکندری، اعضای شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران در میان تشویق ممتد حاضران، هدیه‌ای به رسم یادبود به ایشان اهدا کردند.



### تقدیر از نویسندگان برگزیده‌ی ماهنامه و آیین ادای سوگند گروهی

در بخش بعدی مراسم، رحمت‌الله صادقیان، نایب‌رییس شورای عالی به نمایندگی از انجمن، از نویسندگان برگزیده‌ی مجله‌ی حسابدار طی





زانوهایش کشیده خواهد شد. اقدامات بین‌المللی برای حفظ یوزپلنگ ایرانی در سال ۱۳۷۴ منجر به تشکیل پروژه‌ی یوز آسیا شد، توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در سال ۱۳۷۲ منجر به تشکیل جامعه حسابداران رسمی ایران شد. یوزپلنگ ایرانی و حسابدار رسمی هر دو مدت‌هاست گوشت سالم نخورده‌اند. نقش حسابداران رسمی در جامعه‌ی اقتصادی درست مثل نقش یوزپلنگ بر پیراهن‌های تیم ملی کم‌رنگ است و بی‌رمق. با این وضعیت شکار یوزپلنگ و امتحانات جامعه و حق‌الزحمه‌های حسابداری نه یوزپلنگی باقی خواهد ماند و نه حسابدار رسمی. خداوندا ما و یوزپلنگ ایرانی را از شر شکارچی‌ها و درندگان وحشی مصون بدار!



در ادامه‌ی برنامه، منصور شمس‌احمدی یکی از نوشته‌های خود را برای حاضران قرائت کرد و گفت: «اولین یوزپلنگ‌ها از هندوستان وارد ایران شدند، اولین حسابداران رسمی از انگلستان و بدون واسطه به ایران آمدند. یوزپلنگ ایرانی در خانواده‌های دو الی سه نفره زندگی می‌کنند، حسابدار رسمی در خانواده‌ی سه‌نفره زندگی می‌کند. یوزپلنگ ایرانی با سرعت ۱۱۰ کیلومتر در ساعت به دنبال شکار است و حسابدار رسمی با همین سرعت در جاده‌های بین‌شهری به دنبال کشف حقیقت. یوزپلنگ ایرانی دم درازی دارد، حسابدار رسمی بعد از این که کارتش را گرفت تازه دم در می‌آورد. یوزپلنگ خط اشکی در صورت دارد که از گوشه‌ی داخلی دو چشم تا گوشه‌ی دهانش کشیده شده است، خط اشک حسابدار رسمی بعد از چند بار حسابرسی مالیاتی تا زیر



ترافیک سنگین شب‌های پاییزی تهران همچنان ادامه داشت اما مراسم روز حسابدار به پایان می‌رسید. در آخرین فرصت‌های باقی‌مانده میهمانان جوان‌تر از فرصت بهره می‌بردند تا پیش از خداحافظی عکسی به یادگار با پیش‌کسوتان و بزرگان حرفه و دوستان بگیرند. برای جمعی که از حضور در کنار یکدیگر به سختی دل می‌کنند، وقت خداحافظی با دوستان و همکاران رسیده بود. تا سالی دیگر و روز حسابداری دیگر. ■









